

آفتاب یزد– رضا بردستانی: قبل از شروع رسمی مصاحبه، اجازه می‌گیرم و از روی یک جمله می‌خوانم: «به نظر من خاتم‌ها در مجلس یک رسالت بزرگ و تکلیف بزرگی را بر عهده دارند و آن این است که خلأهای موجودی را که بر اثر سنت های غلط در جامعه ما در رابطه با زن وجود دارد، اینها به حکم زن بودن بهتر از مردها می‌فهمند و آن خلأها را باید در تدوین قانون پر کنند. اگر زن‌ها بخواهند در مجلس به معنای حقیقی کلمه نقش نمایندگی را ایفا کنند با چهار نفر نمی‌شود، بایستی بیشتر در مجلس شورای اسلامی باشند.» (بخشی از بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از بانوان آندیشمند، ۱۷ مهرماه ۱۳۷۷)
بعد می‌پرسم: آیا این جمله برایتان آشنا نیست؟
جلودار زاده می‌گوید:«چقدر این عبارت به اندیشه‌های من نزدیک است، عجب جمله خوبی!» و وقتی می‌گویم با بیانات رهبر معظم انقلاب است می‌گوید:«کاش این جمله سرلوحه‌ی سیاستمداران ما گرفت، کاش اجزایی می‌شد…»

آفتاب یزد– رضا بردستانی: قبل از شروع رسمی مصاحبه، اجازه می‌گیرم

و از روی یک جمله می‌خوانم: «به نظر من خاتم‌ها در مجلس یک رسالت بزرگ و تکلیف بزرگی را بر عهده دارند و آن این است که خلأهای موجودی را که بر اثر سنت های غلط در جامعه ما در رابطه با زن وجود دارد، اینها به حکم زن بودن بهتر از مردها می‌فهمند و آن خلأها را باید در تدوین قانون پر کنند. اگر زن‌ها بخواهند در مجلس به معنای حقیقی کلمه نقش نمایندگی را ایفا کنند با چهار نفر نمی‌شود، بایستی بیشتر در مجلس شورای اسلامی باشند.» (بخشی از بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از بانوان آندیشمند، ۱۷ مهرماه ۱۳۷۷)
بعد می‌پرسم: آیا این جمله برایتان آشنا نیست؟
جلودار زاده می‌گوید:«چقدر این عبارت به اندیشه‌های من نزدیک است، عجب جمله خوبی!» و وقتی می‌گویم با بیانات رهبر معظم انقلاب است می‌گوید:«کاش این جمله سرلوحه‌ی سیاستمداران ما گرفت، کاش اجزایی می‌شد…»

سهیلوجلودارزاده کیست؟

سهیلا جلودارزاده چهره ی ناشناسی نیست اما به رسم معمول:«سهیلا جلودارزاده متولد ۲۸ دی ۱۳۳۷ در شهر یی است. او نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس، در دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در ادوار پنجم، ششم، میان دوره‌ای هفتم و دوره دهم مجلس شورای اسلامی، عضو شورای مرکزی خانه کارگر، عضو دفتر سیاسی و مسئول سازمان‌های حزب اسلامی کار، عضو جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، مدیر کل مدارس خارج از کشور، مسئول تدوین سیاست‌های کلان نظام در مورد خانواده در کمیته بانوان مجمع تشخیص مصلحت نظام و مشاور امور بانوان وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

تحصیلات: سهیلا جلودارزاده لیسانس مهندسی نساجی از دانشگاه امیرکبیر دارد.

زندگی شخصی: او متأهل و دارای دو فرزند است. وی به زبان غربی نیز تسلط دارد. سهیلا جلودارزاده فرزند اول خانواده است. پدربزرگش از سادات روحانی اهل کاشان بودند. شغل پدرش پیشه بری و مادرش وظیفه نگهباری گهگاهی قالی می‌بافت. در سال ۱۳۵۴ ازدواج می‌کند و در همان سال اولین دخترش به دنیا می‌آید. وی در مهرماه سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی برای امداد رسانی به شهرهایی، چون موشهر و آبادان سفر کرده‌است. در این زمان شغل و دخترش در تهران زندگی می‌کنند و مادرش وظیفه نگهباری از دخترش را بر عهده می‌گیرد، پس از مدتی که مادرش مریض می‌شود به تهران باز می‌گردد که در آن زمان است که فرزند دومش نیز متولد می‌شود. **نماینده تهران در ادوار پنجم تا هفتم و دهم مجلس:** سهیلا جلودارزاده در سال ۱۳۷۶ از طریق انتخابات میان دوره‌ای به عنوان نماینده مردم ری، شمیرانات، تهران و اسلامشهر با کسب ۳۵۱۰۰۳۲۷ رأی، در رتبهٔ سوم پنجم می‌شود. در سال ۱۳۷۸ نیز در انتخابات مجلس ششم به عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه پیدا می‌کند. وی در سال ۱۳۸۵ نیز از طریق انتخابات میان دوره‌ای وارد مجلس هفتم می‌شود. وی در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی از حوزه تهران نیز شرکت کرد، ولی موفق به ورود به مجلس نشد.

انتخابات مجلس دهم: در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، سهیلا جلودارزاده، در لیست سی نفره ائتلاف فراگیر اصلاح طلبان: گام دوم ایران تهران حضور داشت و توانست با کسب ۱۰۳۳۰۳۲۷ رأی، در رتبهٔ سوم تهران، وارد مجلس دهم شود. آن چه در پی می‌آید گفت و شنودی تقریباً بدون روتوش است با این بانوی سیاست پیشه که می‌گوید از بین مادر و همسر و سیاستمدار بودن به دلایلی عبیده، کمتر توانسته وظایف مادری خود را ایفا کند زیرا در روزهایی که دو دخترش به وی نیاز داشته‌اند او سرگرم فعالیت‌های سیاسی –اجتماعی بوده و کمتر در کنار فرزندانش!

حمایت از مردم و تقویت وضویت معیشتی آنها

✎ خانم جلودارزاده ممنون از وقتی که در اختیار آفتاب یزد قرار دادید. اولین سؤال، خیلی کلی است شما نیز به این سؤال هم کلی و هم خلاصه پاسخ بدهید. به طور کلی کارنامهٔ مجلس دهم را، از نظر شما که سابقهٔ نمایندگی مجلس – اگر اشتباه نکنم – پنج و شش و هفت را داشتید و مجلس دهم ؛ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

البته توانستیم خیلی کلی است اما من از دو جنبه به آن نگاه می‌کنم: یکی مسئلهٔ جایگاه مجلس در مجموعهٔ نظام و حاکمیت است. مجلس دهم با این ترکیبی که داشت، تقریباً نشان داد که این جایگاه ، جایگاه بسیار ضعیف و مراعات نشوندهای است. به هر حال چند اتفاق مهم که افتاد و خواست نمایندگانی که تقریباً نیمی از مجلس را تشکیل می‌دانند یا در بعضی موارد، تقریباً اکثریت مجلس، خواستار مصلحت بودنت که جزو وظایف مجلس بود و از آنجایی که مردم به قانون اساسی ای رأی دادند که مجلس در رأس امور کشور باشد، این نشان داد که جایگاه مجلس یک جایگاه به اصطلاح مناسب خودش نیست زیرا اگر همهٔ نمایندگان مطیع و بدون نظر و به اصطلاح فقط دنبال زندگی خودش بودند، این مسأله مستحسن نمی‌شد و همه سماعاً و طاعتاً، و هر اتفاقی می افتاد نیز تابعی از همان سماعاً و طاعتاً ولیکن این مجلس دهم یکی از حاشیه هایی که داشت این بود که در اذهان مردم به اصطلاح جایگاه مجلس را مشخص کرد.

هرچند که تبلیغات زیادی برای تخریب مجلس و نمایندگان انجام می‌شد ولی با این حال اثر قطعی مجلس این بود که نشان داد به چیزی گرفته نمی‌شود. حتی در مسائل اجرایی و حتی در مسائل نظارتی، یعنی وقتی که مثلاً مسئلهٔ نظارت هم پیش می‌آمد، بعد به نوعی دور زده می‌شد و آن کاری که باید بشود، انجام نمی‌شد. اما در ارتباط با قانونگذاری و مسائلی که مطرح می‌شد، برآیند خاص نمایندگان حمایت از مردم و تقویت وضعیت معیشتی آنها بود و رساندن امتیازات به مناطق؛ چه در شهرستان‌ها چه در تهران. البته یک مقداری ذات مجلس تبلیغات و پروپاگاندا است که بهتر است از این مسائل در ذاتش نباشد و قبلاً هم نبود ولی الان خیلی بیشتر شده و این شاید یکی از نواقص است و یک مقداری ضعف کارشناسی وجود داشت که آن به خاطر فیلترهایی است که هنگام تعیین کاندیدهاها می‌شود و به طور کلی آن چیزی که باید باشد، نبود ولی در مجموع این مجلس در راستای انجام وظیفهٔ خودش نسبت به مردم حرکت کرد.

✎ بررسی کارنامهٔ مجلس دهم در قالب یک سؤال خیلی کلی است و شما به یک بخش آن پرداختید. منتها شما از آن دست نمایندگانی هستیید که هم تالطم‌های خیلی شدیدی را در مجلس دیده‌اید و هم اینکه در مجلسی که اکثریت قاطع و نه اکثریت اسمی یعنی اکثریت واقعی یا اصلاح طلبان بوده کار کرده‌اید و هم در مجلسی کار کرده‌اید که اکثریت واقعی مجلس در اختیار اصول‌گرایان، خیلی‌ها وقتی که می‌خواستند مجلس دهم را مقایسه کنند، سریع سراغ مجلس های قبلی می‌رفتند و می‌گفتند این مجلس نسبت به مجلس مثلاً پنجم، این مجلس نسبت به مجلس ششم، از این بابت از شما سؤال کردم چون شما در دورهٔ پنجم، ششم و هفتم، سه دورهٔ متوالی در مجلس حضور داشتید. مضاف بر اینکه شما یک استثنا هم هستیید یعنی شما و یکی دیگر از همکارانتان – خانم پروانه مافی که بعدها به عضویت شورای شهر تهران در آمد– تنها خانم‌هایی هستیید که در همهٔ ادوار مجلس توانستید وارد هیئت رئیسه شوید و بعد از شما دیگر اصلاً این اتفاق نیفتاد. حالا مجلس دهم در مظان بسیاری از انتقادات –منتصفانه یا غیر منتصفانه– قرار گرفته است ولی تلاش بر این شد که بگویند مجلس دهم بدترین… حتی آن عبارتی که آقای مصباحی مقدم به کار برد

«بی عرضه ترین»… هر چه صفت بود

کار بپردازند. از این حیث به سؤال من نگاه کنید خانم جلودارزاده.
اگر شما فرصت کردید حرف‌های من را یک بار دیگر بخوانید و یا دقت گوش کنید، من به صورت تلویحی می‌گویم، مجلس پنجم یک ترکیب خالصی داشت و آدم‌هایش متفاوت بودند، تقریباً آدم‌های اول انقلاب بودند و می‌خواستند کار بشود یعنی به فکر آبسروی نظام و به فکر حفظ نظام بودند، یعنی نه شعاری که در عمل، به همین خاطر برآیند مصوباتش و عملکردش خیر بود و چیزهای خوب از درونش درمی‌آمد. وقتی مسئلهٔ حتق مطرح می‌شد همه با هم کار می‌کردند. در مجلس ششم کار کردن خیلی راحت بود یعنی آنچه را به نفع مردم بود وقتی مطرح می‌شد همه سریع به آن واکنش نشان می‌دادند و همراهی می‌کردند. در مورد مسائل زنان هم به همین شکل. ما قوانین خوبی در مجلس‌های پنجم و ششم وضع کردیم. در مجلس هفتم من میان دوره ای وارد شدم ولی چون ترکیب شعاری یکدستی داشت چیزی از آن بیرون نیامد. آن موقعی که ما بودیم سعی کردیم سهم الارث زن از زمین را مطرح کنیم. هر کی در دیدار رهبری ایشان روی همین مسئله تأکید کردند. ما آمدیم و خواستیم انجام دهیم و مجلس هم ، رأی داد ولی رفت و جاهای دیگری گیر کرد. ولی بالاخره تصویب شد. در مورد مسائل اقتصادی هم من در مجلس هشتم و نهم نبودم…

✎ می‌دانیم!

ولی با کمک بخش خصوصی و ناصحان ملت و دلسوزان، دو قانون تصویب شده بود که قوانین خوب و جامعی هم بود، به قانون بهبود مستمر کسب و کار خیلی جامع به مسأله نگاه شده بود و متأسفانه به خاطر شرایط کلی مملکت و دولت داری ضعیف اجرا نشد. در مجلس دهم تلاش می‌شد که با نظارت، پیچ و مهره‌های دولت هم سفت شود که بتوانند این را انجام دهد ولی شرایط کشور جوری است که آمادگی را برای استقرار قانون و اجرای آن ایجاد نمی‌کند و ما همیشه در حال بحران و کمبود و مسائل دیگر هستیم ولی…

✎ این عبارت «یک جاهای دیگر» را می‌شود بیشتر توضیح دهید؟ چون ما از خیلی‌ها شنیده‌ایم که در مجلس قانون تصویب می‌کردیم، با فلان چیز مخالفت می‌کردیم، روی فلان چیز تأکید داشتیم ولی «یک جاهای دیگر» نمی‌گذاشتند. این «یک جاهای دیگر» کجاست؟
خب عمدتاً در شورای نگهبان خودش را نشان می‌داد. مثلاً کودک همسری یا مسائل دیگری که با لابی‌های زیاد یا حتی اینکه نمایندهٔ شورای نگهبان را می‌خواستیم که در جلسه حضور پیدا کنند و بگویند که مورد نظر آنها چیست و چگونه می‌توان در مورد این قانون به نتیجه رسید ولی‌خب عوامل تأثیرگذار زیاد است مثلاً همین دستگاههایی که از تصویب یک قانون ضرر می‌کنند وارد فعالیت می‌شوند. بستگی دارد به اینکه اقتصادی باشد، سیاسی باشد، فرهنگی باشد، چه باشد… می‌آیند و مانع تصویب نهایی آن می‌شوند. آنقدر رفت و برگشت می‌کند و می‌ماند… یعنی لابی‌جویی در کشور شکل گرفته و مجلس باید دارای درک عمیقی باشد که این لابی‌ها روی مجلس اثر نگذارند ولی آدم‌هایش را بخواهند این را تجربه کنند که فلان جا رفتن، این هدیه را قبول کردن، این همکاری را داشتن چقدر ممکن است روی تصویب قوانین اثر سوء بگذارد، این مهم است. مثلاً شرح وظایف دو سه تا از وزارت خانه‌هایی که ادغام شده، هنوز چند مدتی است که در مجلس تصویب نشده است و وقتی که در کمیسیون می‌آید حتی وقتی وقت شبانه روزی می‌گذاریم، می‌رود و یکدفعه محو و گم می‌شود و در دستور نمی‌آید. اینها پیچ و خم‌هایی است که در سر راه مجلس وجود داشته و دارد.

✎ ده دوره مجلس کار کرده‌است و حالا مجلس یازدهم که اول کارش است ولی مجلسی است که از او،ش، آخرش بیادست و حالا به آن می‌رسیم… شما در آن ده دوره، بهترین، موفق‌ترین، کامل‌ترین و مجلس‌ترین مجلس را کدام می‌دانید؟

من همیشه ایسن را گفته‌ام که مجلس پنجم مجلس خوبی بود. مجلس ششم از این جهت که اقلیتش کم بود ولی حقوق اقلیت در آن رعایت می‌شد مجلس خوبی بود و هم اینکه اکثریت، درک مسائل و مشکلات مردم را داشت. من نمی‌گویم مجلس ششم عیب و نقص نداشت. من وقتی از جنبهٔ مسائل کارگری نگاه می‌کنم، می‌بینم که متأسفانه ما با تمام مجلس‌ها، پنجم، ششم، هفتم و دهم که من بودم در خصوص مسائل کارگری مشکل داشتیم که عمده‌ترین حق الناس اینجا مطرح می‌شود، در صورتی که مجلس باید در واقع این مسئله را در رأس توجه خودش بگیرد. ما از مجلس پنجم این درگیری را داشتیم که می‌خواستند مثلاً قانون کار را در کارگاه‌های کوچک حذف کنند. حذف کردند و گفتند اشتغال سراسر کشور را فرمای می‌گیرد. بعد دیدیم هیچ اتفاقی نیفتاد یعنی باز همان تعداد بیکاران اضافه‌تر شد و ظلم و ستم حقوقی هم تقریباً دیگر رسمی شد. مجلس ششم مسئلهٔ جدا کردن سازمان تأمین اجتماعی و بردنش در وزارت رفاه بود در صورتی که سازمان خصوصی‌عمومی است و باید مستقل می‌بود ولی رفت در وزارت رفاه و بعد دوباره یک عدهٔ دیگر آوردنش و چسباندنش به وزارت تعاون و کار و حلالا می‌خواستند جدا کنند و بخش درامش را ببرند یک جای دیگر… اتفاقات این جوری که ما در هر دوره‌ای که در مجلس بودیم، بزرگ‌ترین چالش ما این بود که به قول معروف چهار چنگولی این دارایی‌های کارگران را بچسبیم و نگذاریم که یک عده‌ای ببرند. این یکی از چالش‌های ما بود.

✎ از آن دوره‌ای که شما وارد هیئت رئیسه شدید برای ما بگویید، بگویید که چطور شد وارد هیئت رئیسه شدید و دیگر آن اتفاق تکرار نشد. حتی در مجلس یازدهم با یکی از نماینده‌ها صحبت کردیم.

aftab.yz@gmail.com

گفتگو

گفتگوی تفصیلی آفتاب یزد با سهیلا جلودارزاده نماینده مجلس دهم:

توانستیم وضع موجود کارگران را حفظ کنیم

گفت که اصلاً شرایط زنان در مجلس یازدهم – چون ایشان در مجلس دهم هم بود و همکار شما بودند- جالب نیست! ایشان اذعان داشتند که شرایط زنان در مجلس یازدهم به مراتب از شرایط زنان در مجلس دهم سخت‌تر است. مگر در مجلس نماینده با نماینده چه فرقی دارد؟ چرا این جوری نگاه می‌شود که یک زن نتواند وارد هیئت رئیسه بشود؟ در صورتی که شما آمدید و یک دوره هم بودید و مشکلی هم پیش نیامد.

خب در دوره‌ای که من در هیئت رئیسه وارد شدم، شرایط سیاسی تفاوت داشت… رأیی هم که ما آورده بودیم، خیلی رأی قابل توجهی بود که این باز در مجلس دهم هم تکرار شد. دیدگاه مردم این است که زنان باید در مدیریت‌ها وارد بشوند. من یک بحثی داشتم پیرامون وضعیت و جایگاه زنان در جامعه که نشان دهندهٔ خواست مردم است. هر کسی در خانه‌اش یک دختر دارد که درس خوانده، تحصیلکرده، توانایی‌هایش را می‌بیند. الان دوره، دورهٔ دیگری است. با وجود تمام اهمیتی که برای کانون خانواده قائل هستیم و در حفظش باید تلاش کنیم و می‌کنیم ولی نمی‌شود که استعدادهای فردی را در محیط کاری نادیده گرفت و… خب آن موقع مجلس طرفدار این بود که زنان در مدیریت‌ها مشارکت داشته باشند. یعنی مردم این را می‌خواستند. اکثریت… ۶۴ درصد فالغ تحصیلان دانشگاه‌ها حتی تا سطح دکتری، خانم‌ها هستند و جامعه نمی‌خواهد که این سرمایه‌هایش از بین برود. اسلام هم مخالفتی ندارد ولی من تعجب می‌کنم. این در آن شرایط بود و زمینه برای ورود ما به هیئت رئیسه آماده بود. اکثریت مجلس هم نظر خوبی داشت و وقتی که من کاندیدا شدم… اصلاً به پیشنهاد خیلی از دوستان و بزرگان من کاندیدا شدم. در تمام چهار ساله‌ی که من بودم من باز رأی می‌آوردم و حتی بیشتر از قبل. ولی من بودم یکی آقای خالقی که مدام می‌شد. این نشان دهندهٔ دیدگاه مردم، خواست مردم و مجلس و اعضای هیئت رئیسه بود ولی الان…

شده بودیم در عین اینکه در لیست مواضع ما استقلال و حضور اجتماعی هم داشتیم ولی الان چون بعضی وقت‌ها خانم‌ها با حمایت می‌آیند نمی‌توانند خارج از چارچوبهای تعیین شده‌شان حرکت کنند و آن چارچوب‌های تعیین شده می‌گوید هیئت رئیسه باید اینها باشند و در نتیجه خانم‌ها دیگر زمینه‌ای برای ظهور و بروز پیدا نمی‌کنند.

✎ قائل به پیش‌بینی در عالم سیاست هستیید؟

پیش‌بینی که نه و جز خداوند هیچ کس از آینده و غیب‌خبر ندارد ولی اگر بخواهیم با یک معادلهٔ ریاضی نتیجهٔ این فعل و انفعالات را حدس بزنیم، این است که ما نمی‌توانیم فعلاً امیدوار باشیم که یک حاکمیت مدیریتی مستقر بشود در کشور.

✎ گرچه شما فرمودید به پیش‌بینی اعتقاد ندارید ولی با تجربه جواب بدهید که آیا برای مجلس یازدهم موقیعتی متصور هستیید؟
آرزو می‌کنم موفق باشم چون این بخشی از کشور خودمان است و هرچه قدر هر راگانی، هر نهادهای موفق شود بالاخره کشتی خودمان سوراخ می‌شود و فرو می‌رویم. آرزو می‌کنم موفق باشم ولیکن شرطش این است که واقعا سعی کنند علم و شجاعت و توکل به خدا را همه را با هم داشته باشند ولی اگر بخواهد یک مجلس روزمره‌ای باشد، نه، الان شرایط ما این را لازم ندارد.

✎ طبیعتاً و کاملاً ناخودآگاه مجلس را دنبال می‌کنید. همین یکی دو هفته‌ای که از مجلس گذشته، مجلس می‌خواهد به کدام سمت حرکت کند؟
حالا هنوز نمی‌شود قضاوت کرد.

✎ نه قضاوت نه ولی بالاخره رویکردها مشخص است؛ هیئت رئیسه‌ای که انتخاب کرده‌اند، به سمت کمیسیون‌هایی که حرکت کرده‌اند، شعارهایی که می‌دهند، موضع‌گیری‌هایی که کرده‌اند… به احتمال زیاد در جزئیات، در این یک سال آینده، بزرگ‌ترین شاخصه‌اش حمله به دولت برای اثبات وجود خواهد بود.

✎ و در ادامه…؟

حالا تا اینکه ببینیم دولت چه می‌شود. آن موقع ممکن است یک تغییر ماهیتی بدهد که دیگر حمله به دولت نداشته باشد ولیکن با مطالبات مردم رویه رو خواهد شد. برآیند کلی یعنی آن شمایی کلی آن یک مجلسی خواهد بود که مدام بگوید مشکلات مردم را مطرح کند.

✎ یعنی از فحوائ کلامتان بر می‌آید که بعد از یک سال مجلس به یک مجلس مطالبه‌گر تبدیل خواهد شد؟
الان که پرخاشگر دولت است در عین مطالبه‌گری ولی‌بله مگر اینکه در شرایط کشور یک معجزه روی دهد ولیکن در این شرایط اقتصادی‌ای که داریم، راه دیگری وجود ندارد. وقتی که پول نباشد که بین مردم توزیع شود، وقتی پول نباشد که پروژه‌های عمرانی و مسائل دیگر انجام شود، خب مطالبات مردم به سمت نماینده می‌رود و او هم مجبور است مثل خیلی از نماینده‌های اصفهان و خوزستان بیاید و یک پوزیشن مطالبه‌گر داشته باشد برای اینکه بتواند بین مردم قدم بزند.

✎ تحلیل بسیار جالبی بود. یعنی الان یک مجلس پرخاش‌گر در عین حال مطالبه‌گر تبدیل می‌شود به یک مجلس صرفاً مطالبه‌گر. لایه‌لای

سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۹۹ ● شماره ۵۷۶۲

آفتاب

صحبت‌هایتان معلوم شد اگرچه به پیش‌بینی اعتقاد ندارید ولی به معجزه همچنان اعتقاد دارید. مگر نه؟
خب بالاخره یک آیه‌ای در قرآن داریم که خداوند می‌فرماید: « وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ »[آیه ۱۱۵ هود] این کشور را در طول چهل سال گذشته افراد نیکوکار، صالح و با صداقت زیادی حفظ کردند و سعی کردند که صدام نرزد و نابود نکند، آمریکا نرزد. و افراد خوبی هم آمدند و فساد کردند، دزدی کردند و اختلاس کردند و برداشتند و بردند. اینجا این دو دست‌آدم‌ها یکی‌شان اصحاب شیطان می‌شود و یکی‌شان اصحاب خداوند. خداوند وعده داده که اجر و عمل اینها را ضایع نکند و به خاطر همین معتقدم که ممکن است به گونه‌ای خداوند اجر و عمل اینها را آشکار کند و موفق‌شان کند.

✎ پس به واقع شما به معجزه اعتقاد ندارید؛ شما به واقعیت‌ها اعتقاد دارید یعنی واقعیت‌هایی که حداقل واقعیت‌های دینی و اعتقادی ماست. بله!

✎ یعنی شما می‌گویید که طبیعتاً یک عده آدمی که نیت خیر داشتند و پاک بودند، برای این مملکت زحمت کشیدند و بالطبع زحمتشان هدر نخواهد رفت.
بله. دقیقاً همین است.

✎ یکی از بخش‌های مهم فعالیت شما در حوزهٔ زنان و زنان کارگر است. اشکم را درآوردید

✎ واقعاً توانستید کاری کنید؟

خب حداقل این بوده که تا آنجا که توانسته‌ایم، وضع موجودشان را حفظ کنیم.

✎ من از شما عذرخواهی کنم؛ خیلی صریح برایتان بگویم: این «تلاش کردیم و تا آنجا که توانستیم» را بی‌خیال شوید. صادقانه بگویید، خانم سهیلا جلودارزاده توانست برای زنان کارگر کاری بکند یا نه؟

شما می‌آیید مثلاً کنار رودخانه بنایی می‌سازید… خداوند می‌گوید آیا کسی که یک بنایی را کنار رودخانه می‌سازد و سیسی می‌آید و آن را خراب می‌کند، می‌گوید این خیر نیست آیه ۱۰۹ سوره توبه می‌گوید: «ایا کسی که مسجدی به نیت تقوا تأسیس کرده و رضای حق را طلب است ماندن کسی است که بنایی‌سازد بر پایه سستی در کنار مسیل (لبه پرتگاه دوزخ) که زود به ویرانی کشد و حق را به آتش دوزخ درآفکند؟! و خدا هرگز ستمکاران را هدایت نخواهد فرمود.» شاید کارهایی که ما کردیم، از همین قسم بود. ما سعی کردیم رفع تبعیض کنیم که قانونش تصویب شد چون مجلس کارش قانون تصویب کردن است. خب ما این را تصویب کردیم و نگذاشتیم در طول هر چهار – پنج دوره سازمان تأمین اجتماعی را ببرند یا اگر خواستند از درون فساد در آن اوج بگیرد مجلس تصویب کرده، هنوز توانسته است بگیرد و کمک خود کارگران. یعنی این کارها را انجام دادیم ولیکن وقتی که شرایط اقتصادی اجازه ندهد… مثلاً یک کسی آمده یک خانهٔ خوبی را ساخته وقتی سیل آمده آن را خراب می‌کند. اگر این جوری نگاه کنیم، نه، الان کارگر ما حداقل حقوقی را که خود مجلس تصویب کرده، هنوز نتوانسته است بگیرد و دولت به کارمندان خودش که کارشان نسبت به یک کارگر خیلی کمتر است –یعنی از نظر فیزیکی، بدنی و سختی- ایسن را داده و خیلی هم کار خوبی کرده چون با تورم بالاخره باید این کاهش ارزش پول یک جایی جبران شود ولیکن در مورد کارگرها این کار انجام نشده یا بازنشسته‌ها از آنها دیگر بدتر. در این زمینه‌ها اگر بگویسیم هم ما موفق نبودیم. یعنی کارمان را انجام داده ایم ولی شرایط کلی این را اصلاً بی‌اثر کرده است. ما یک موقع آمدم مالیات را اصلاً از حقوق کارگرها حذف کردیم ولی تورم آنقدر سریع رفت بالا که طی دو سال دیگر آن بی‌اثر شد چون مالیات اندازهٔ کم اضافه کار برای اینها افزایش حقوق است و در یک سال مالیاتی وضعشان خوب می‌شد. مثلاً یک موقع آقای کرباسیان رئیس تأمین اجتماعی بود. ما با ایشان چالش زیاد داشتیم ولی بهترین شرایط را داشتیم. بیمارستان‌ها ساخته شد و از نظر حقوقی وضعشان خوب بود. همه می‌آمدند… حتی از دولت، از سازمان برنامه خانم صدیقی و آقای سیرازوی سوابقشان را از دولت منتقل کردند به تأمین اجتماعی چون اینجا شرایط بهتر بود. اینها کارهایی بود که می‌شده ولی وقتی فضای کلی تغییر می‌کنند… در مورد بدهی‌های تأمین اجتماعی چقدر ما تلاش کردیم. در قانون تصویب شده که اینها بیاید ولی هنوز خیلی‌هاش نیامده. در مورد همسازسازی، قانونش تصویب شد و در برنامهٔ ششم آمد. در مورد زنان سرپرست خانوار، طرح جامعش را در برنامهٔ ششم در بودجهٔ سالانه آوردیم ولی اجرایی نشد. چون مجلس در رأس امور هست به شرط اینکه دولت هم همراهی کند و شرایط کلی کشور هم برای دولت و مجلس مناسب باشد.

✎ رابطهٔ دولت و مجلس، آنچنان که باید در مجلس دهم برقرار بود یا نه؟
مجلس سعی می‌کرد با دولت همکاری کند.

✎ و دولت؟

دولت هم حلالاً.. بد نبود. یک جاهایی خیلی ضعیف عمل می‌کرد یعنی دچار یک سستتی‌ای شده بود ولیکن… یا مثلاً خلاقیبت نبود و یا مدیریت استراتژیک، مدیریت پیشرفته که بتواند بر شرایط تغییر و تحولی که در کل کشور ایجاد می‌شد، در جامعهٔ جهانی به وجود می‌آمد، سوار شود نبود و بیشتر هم در بخش‌های اقتصادی ولیکن بد نبود. سعی می‌کردند همکاری کنند

✎ این احساس وجود دارد که مجلس دهم همراه‌تر بود با دولت. درست است؟
بله. مجلس بیشتر همراهی می‌کرد.

✎ به نسبت دولت، مجلس همراه‌تر بود… و لطمه هم خورد یعنی به نوعی بعضی جاها اگرچه مجلس شش کرد همراهی کند ولی در نهایت آدم بده‌ی داستان شد.
عیبی ندارد.

✎ بسیار خب. یکی از مباحثی که طبیعتاً الآن باید مهم باشد و سر و صدایش هم شروع شده، بحث ریاست جمهوری ۱۴۰۰ است. یک بخشی از آن رسانه‌ها هستند که هر روز سراغ یکی می‌روند. یکی این را معرفی می‌کند، یکی آن را معرفی می‌کند. این که اصلاً بخش «فان» قضیه است، به عنوان یک آدم باتجربه در عالم سیاست، شما دیدگاه تان دربارهٔ ریاست جمهوری ۱۴۰۰ فارغ از اصلاح طلب و اصول‌گرا و هر چیزی بفرمایید. دیدگاه کلی شما به عنوان یک چهرهٔ سیاسی در مورد ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و اهمیت‌هایی که ممکن است داشته باشد.

من فعلاً دارم خاطرات و تجربیات سال‌های حضورم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی خود را جمع بندی می‌کنم. به خاطر همین با شرمندگی به این سؤال فعلاً جواب نمی‌دهم.